

ماهیت حقوقی عاملیت بین‌المللی (فاکتورینگ)

مصطفی نصیری*

رقیه ملازهی**

چکیده

عاملیت تجاری (فاکتورینگ) به عنوان یکی از شیوه‌های تأمین مالی، به طور معمول، فرآیند تسریع دریافت وجوه حاصل از بدهی‌های کوتاه‌مدت است. طی این روند، عرضه‌کننده کالا و یا خدمات مطالبات صورتحساب‌های قابل وصول خود را با تنزیل (تخفیف) به یک مؤسسه عاملیت می‌فروشد. در حالی‌که در اغلب کشورهای، عمل واگذاری مطالبات است که مبنای قانونی عملیات عاملی را تشکیل می‌دهد، لیکن شیوه‌هایی که این واگذاری طی آنها انجام می‌گیرد و همچنین قوانین و مقررات حاکم بر جنبه‌های مختلف آنها، به نحو قابل توجهی متنوع و متمایز هستند. مؤسسه بین‌المللی یکنواخت کردن حقوق خصوصی (UNIDROIT)، با هدف رفع این‌گونه بلا تکلیفی‌ها و نیز برای تسهیل و ترویج معاملات بین‌المللی، کنوانسیون یکسان‌سازی قواعد عاملیت تجاری بین‌المللی موسوم به «کنوانسیون اتاوا» را به تصویب رساند. نوآوری این کنوانسیون در اعطای اختیار گزینش و انجام حداقل دو مورد از عملیات معمول فاکتورینگ به عامل، باعث شده است که در مواردی، ماهیت حقوقی عاملیت بین‌المللی از قالب سنتی انتقال طلب خارج شود.

کلیدواژه‌ها: عاملیت بین‌المللی، فاکتورینگ، صورتحساب، تأمین مالی، انتقال

مطالبات.

mostafa.nasiri@yahoo.com

mollazehi.r@gmail.com

* عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)

** دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه پیام نور

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۱/۲۴

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۶/۰۷

مسأله دیون تجاری از مهم‌ترین و پرچالش‌ترین مسائلی است که ممکن است گریبان‌گیر تجار، مؤسسات و شرکت‌های تجاری شود؛ به‌ویژه برای مؤسسات کوچک و متوسط که می‌تواند خطر ورشکستگی آنها را در پی داشته باشد. این مسأله به‌ویژه زمانی که مؤسسات تجاری علاوه بر مشتریان داخلی با مشتریانی در سطح بین‌المللی معامله می‌کنند، اهمیت بیشتری می‌یابد، زیرا این امر ممکن است به معنای از میان رفتن بخشی از این دیون یا افزایش هزینه وصول آنها باشد. از آنجا که نهادهای حقوقی سنتی همچون بیمه اعتباری، وکالت در وصول، قرض و حواله، در ارائه راه‌حل اساسی و ریشه‌ای برای این مشکل ناموفق ماندند، این امر انگیزه و دلیل اصلی جستجو برای یک مکانسیم اقتصادی - حقوقی جایگزین شد که بتواند مشکل دیون تجاری یا برخی از ابعاد آن را حل کند. عقد عاملیت از نوآوری‌هایی است که در حل این مسأله و یا حداقل بخش مهمی از آن نقش شایانی ایفا کرده است.

هدف اساسی از ابتکار سیستم عاملیت بین‌المللی (فاکتورینگ) رفع نیازمندی سرمایه‌گذاران تجاری به نقدینگی برای ادامه فعالیت‌ها خویش و یا گسترش آنها، علی‌رغم داشتن دیونی در ذمه بدهکارانشان می‌باشد، که یا سر رسید این دیون فرا نرسیده است یا بدهکاران در کشوری غیر از کشور محل تاجر اقامت دارند و وصول دیون مستلزم روندی زمان‌بر و طولانی‌تر است.

مفهوم عقد عاملیت متکی است بر تعهد طلبکار مبنی بر اینکه تمامی دیون تجاری خود را که بر ذمه بدهکارانش دارد، به مؤسسه عامل ارائه دهد. این مؤسسه اقدام به گزینش صورت‌حساب‌ها و آن دسته از دیونی می‌نماید که به خاطر ضعف موقعیت مالی یا تجاری بدهکار، در معرض خطر عدم پرداخت قرار ندارند.^۱ اگر مؤسسه عاملیت تمام یا برخی از این دیون را بپذیرد، با ایفای بدون اجل بدهی آنها به طلبکار، در ازای درصد معینی از این دیون و با حق جانشین شدن محل طلبکار اصلی در برابر بدهکارانش و نیز تضمین عدم رجوع به انتقال‌دهنده در صورت عدم امکان وصول، این دیون را می‌خرد. به علاوه این مؤسسه به ارائه برخی خدمات اداری، حقوقی و مشاوره‌ای به نفع طلبکار می‌پردازد.^۲ هرچند سابقه تاریخی عاملیت (فاکتورینگ) به دوران باستان باز می‌گردد و این نهاد دچار تحولاتی نوین در قرن نوزدهم در روابط میان انگلستان و ایالات متحده

۱. شافی، نادرعبدالعزیز، عقد شراء الدیون التجاریه عقد الفاکتورینگ دراسه مقارنه، بیروت، منشورات زین الحقوقیه، الطبعه ۲، ۲۰۱۳، ص. ۲۲.
۲. همان، ص. ۲۳.

آمریکا شد، اما صرفاً پس از جنگ جهانی اول بود که ویژگی‌های آن بدواً در کشورهای کاملاً و سپس در سایر کشورهای غربی و در نهایت در سراسر جهان روشن گردید. از دهه ۶۰ میلادی شاهد رشد قابل توجه و بی‌وقفه آن، در تنوع هرچه بیشتر عملیات و نیز شمار روزافزون کشورهایی که این شیوه از تأمین مالی را برای رفع نیازهای بازرگانی مدرن خود اتخاذ کرده‌اند، بوده‌ایم.^۱

از آنجا که در هر نظام حقوقی، ابزارهای قانونی متفاوتی اتخاذ شده‌اند تا از این شیوه تأمین مالی نسبتاً نوپا، نه تنها از حیث سهولت و انعطاف‌پذیری بلکه همچنین از حیث قطعیت وصول و تقلیل هزینه‌ها بیشترین بهره را ببرند، این امر بیانگر این واقعیت است که با وجود اینکه در اغلب کشورها همانا عمل واگذاری مطالبات است که مبنای قانونی عملیات فاکتورینگ را تشکیل می‌دهد، ولی روش‌ها و نوع عملیاتی که چنین انتقالی متأثر از آنها بوده و همچنین قوانین و مقررات حاکم بر جنبه‌های مختلف آن، به نحو قابل توجهی متنوع و متمایزند. از جهت دیگر زمانی که فروشنده (صادرکننده) دارای معاملات تجاری با خریداران خارجی است، مسأله بعد فاصله و مشکل نشست حضوری با مشتریان برای به دست آوردن اطلاعات مربوط به موقعیت‌های مالی آنها، اختلاف زبان‌ها و اغلب عدم اطلاع از قانون صالح خارجی لازم‌الاجرا، باعث می‌شود که خدمات ارائه‌شده توسط «مؤسسات عاملی» مورد توجه بیشتری قرار گیرد.

در نتیجه با هدف کاهش این‌گونه مشکلات و نیز برای گسترش معاملات بین‌المللی، مؤسسه بین‌المللی یکسان‌سازی و تدوین حقوق خصوصی اقدام به وضع قواعدی یکنواخت (متحدالشکل) نمود که قابل اجرا بر نوع خاصی از واگذاری مطالبات بین‌المللی در اصطلاح «فاکتورینگ بین‌المللی» می‌باشد و در پی آن کنوانسیون یکسان‌سازی قواعد عاملیت بین‌المللی موسوم به کنوانسیون «اتاوا» در روز ۲۸ ماه می سال ۱۹۸۸ در شهر اتاوا در کانادا به تصویب رسید.

در این مقاله پس از ارائه تعریفی از عاملیت، به برخی از انواع آن مطابق تقسیم‌بندی‌های مختلف اشاره شده است، سپس دامنه شمول کنوانسیون اتاوا نسبت به انواع عاملیت و ماهیت آن مطابق این کنوانسیون از منظر حقوق ایران تبیین شده است و در نهایت مختصراً به برخی از حقوق و تعهدات اصلی طرفین این عقد پرداخته شده است.

۱. در گزارش سال ۲۰۱۳ مؤسسه (Factors Chain International (FCI) (مجموعه عاملان بین‌المللی)، ارزش جهانی معاملات فاکتورینگ (داخلی و بین‌المللی) تنها در سال ۲۰۱۲ معادل ۲،۱۳۲،۲۳۱ میلیون یورو بوده که سهم کشورهای اروپایی از آن ۶۱٪ ایالات متحده آمریکا ۹٪، کشورهای آفریقایی ۱٪، کشورهای آسیایی ۲۷٪ و استرالیا ۲٪ می‌باشد.

۱. تعریف عاملیت تجاری (فاکتورینگ)

عامل معادل واژه انگلیسی فاکتور^۱ است. فاکتور در لغت «عامل، حق‌العمل‌کار است و در اصطلاح بازار، برگ‌های کوچک صورت خرید جنس را فاکتور می‌گویند. این استعمال درست نیست»^۲. در لغت‌نامه حقوقی Essentials این‌گونه تعریف شده است: «نماینده‌ای در مقابل کمیسیونی که حق عاملیت نامیده می‌شود، مبادرت به خرید یا فروش کالا می‌کند»^۳. این تعریف از عاملیت با عاملیت مورد نظر ما یکسان نمی‌باشد و عامل اینجا یک نماینده قراردادی است که از طرف آمر، خود و به حساب وی معاملات تجاری می‌کند.

فرهنگ حقوقی Webster عامل را این‌گونه تعریف نموده است: «کسی که صورت‌حساب‌های قابل وصول را به کمتر از ارزش اسمی آنها می‌خرد و کل مبلغ آنها را جمع‌آوری می‌کند و تفاوت میان این دو را به عنوان کمیسیون یا حق عاملیت خود برداشت می‌کند. کسی که کالاهایی را که به وی تحویل داده شده است، می‌فروشد»^۴. مفهوم نخست از عاملیت در این تعریف با عاملیت مورد نظر ما تطبیق دارد، زیرا مبنای عملیات در عقد عاملیت، انتقال طلب است و صادرکننده (طلبکار) طی عملیاتی مطالبات خود را به مؤسسات عاملی منتقل می‌کند.

در حقوق ایران عبارت عاملی در بند ۳ از ماده ۲ قانون تجارت به کار رفته و در زمره عملیات تجاری محسوب شده است. قانون‌گذار تعریفی درباره اینکه مفهوم عامل چیست و چه کسی عامل محسوب می‌شود، ارائه نداده است و در میان حقوق‌دانان نیز در این باره اختلاف نظر وجود دارد. یکی از حقوق‌دانان^۵ عاملیت تجاری را یک نوع نمایندگی قراردادی دانسته و چنین تعریف کرده است: «... رابطه‌ای است امانی و توافقی که به موجب آن شخصی به دیگری اختیار می‌دهد که تحت نظارت، کنترل و مطابق تعلیمات ارائه‌شده از سوی وی، اعمالی به نام و حسابش انجام دهد که آثار این اعمال مستقیماً متوجه خود وی گردد.» مطابق این تعریف، عاملیت یکی از مصادیق مهم و بارز نمایندگی قراردادی است که مفهومی فراتر از وکالت است و نباید این دو را معادل هم دانست. روشن است که مفهوم

1. factor

۲. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، دانشگاه تهران، چاپ اول از دوره جدید، ۱۳۷۲، واژه فاکتور.

3. Blackwell, Amy, Essential Law Dictionary, London, Sphinx publications, 2008, p. 128.

4. Ellis, Susan, Webster's New World Law Dictionary, New York: Wiley Publishing Incorporations, 2006, p. 140.

۵. آخوندی، رضا، عاملیت تجاری در حقوق ایران و فرانسه، نشر دادگستر، ۱۳۸۴، صص. ۲۸-۲۳.

عاملیت در حقوق ایران با آنچه که مد نظر ما است، متفاوت می‌باشد، زیرا لفظ عام عاملیت در این مفاهیم مشترک لفظی است نه مشترک معنوی و این دو، اقسام متمایزی از یک معنای کلی نمی‌باشند و کاملاً از یکدیگر جدا هستند. رابطه عامل و اصیل در مورد نخست به وکالت نزدیک است. عامل به نمایندگی از طرف تاجر معاملات تجاری انجام می‌دهد؛ ولی در دومی یک نوع انتقال طلب است که عامل از طرف تاجر و به حساب وی معاملات تجاری انجام نمی‌دهد، بلکه به عنوان منتقل-الیه مطالبات تاجر مطرح است. تنها وجه اشتراک این دو نوع عاملیت، قراردادی بودن آنها است.

در کنوانسیون اتاوا، با توجه به تنوع شیوه‌هایی که عاملیت (فاکتورینگ) در عمل اتخاذ می‌کند و نیز به دلیل اختلاف چهارچوب‌های قانونی متنوع آن در کشورهای مختلف، کمیته تدوین‌کنندگان سعی بر آن داشته است که تعریفی حتی‌الامکان گسترده از این نهاد حقوقی ارائه دهد تا فعالیت‌هایی که در زمان تدوین کنوانسیون در کشورهای مختلف در قالب این شیوه از تأمین اعتباری به کار گرفته می‌شد را حتی‌الامکان از شمول این عنوان خارج نسازد. در بند ۱ ماده ۲ کنوانسیون اتاوا عاملیت چنین تعریف شده است: «صادرکننده-کالای می‌تواند مطالبات قابل وصول ناشی از قراردادهای بیع کالای منعقدہ بین او و مشتریان (بدهکاران) را به عامل واگذار کرده یا در آینده چنین کند.» مطابق این بند می‌توان گفت که عقد عاملیت تجاری، موسوم به عقد فاکتورینگ^۱، قرارداد انتقال مطالبات تجاری است که بر مبنای آن طلبکار متعهد می‌شود که تمامی صورتحساب‌های دیون تجاری که در ذمه بدهکاران خود دارد را در اختیار مؤسسه عامل قرار دهد. این مؤسسه به گزینش طلب‌های ناشی از صورتحساب‌ها می‌پردازد.^۲ اگر مؤسسه اقدام به پذیرش تمام یا برخی از این دیون (مطالبات) کرد، با اقدام به خرید این دیون قبل از تاریخ سررسید در مقابل درصد معینی از ارزش آن و با تضمین عدم رجوع به طلبکار در فرض عدم امکان وصول، جانشین وی می‌شود.

۲. انواع عاملیت

بسته به معیارهای متفاوت، انواع مختلفی از عاملیت وجود دارد. با توجه به دو معیار عملیات و دامنه اجرا، عقد عاملیت به موارد ذیل تقسیم می‌شود.

1. Factoring Contract

۲. رضوان، فایز نعیم، عقد الائتمان الإیجاری، القاهرة، دار الفكر العربی، ۱۹۸۵، ص. ۴۰.

۱-۲. عاملیت کامل^۱ (فاکتورینگ حقیقی) و عاملیت ناقص (فاکتورینگ ظاهری)^۲

یکی از تقسیم‌بندی‌های مهم عاملیت، بر مبنای خدمات ارائه شده در عقد استوار است. عاملیت بر حسب اینکه کدام‌یک از عملیات (تأمین اعتبار، تضمین وصول، حسابرسی و مشاوره تخصصی) در آن انجام شود، به دو نوع تقسیم می‌شود. عاملیتی که تمامی عملیات مزبور در آن وجود دارد که همان عاملیت سنتی یا «عاملیت حقیقی» نامیده می‌شود و عاملیتی که برخی از عملیات و به‌ویژه تضمین وصول مطالبات (تضمین عدم رجوع به طلبکار اصلی در فرض ورشکستگی/ اعسار بدهکار) در آن وجود ندارد، که «عاملیت ظاهری یا عاملیت ناقص»^۳ نامیده می‌شود.

۲-۲. عاملیت ملی^۴ و عاملیت بین‌المللی^۵

در عاملیت ملی که ساده‌ترین و رایج‌ترین^۶ نوع عاملیت است، اطراف عملیات (عامل، فروشنده و خریدار) همگی از یک کشور می‌باشند، لذا هیچ احتمالی برای تعارض قوانین، و مقررات حاکم بر تبدیل ارز ایجاد نمی‌شود. در عاملیت بین‌المللی که در زمینه تجارت بین‌الملل نقشی اساسی ایفا می‌کند، وجود یک عنصر خارجی (یکی از طرفین عقد) از ارکان اساسی آن به شمار می‌رود. لذا در عقد عاملیت بین‌المللی یکی از طرفین عقد در کشوری غیر از کشور طرف دیگر می‌باشد. کنوانسیون اتاوا در ماده ۲ خود در این رابطه این‌گونه تصریح کرده است: «عقد عاملیت هنگامی بین‌المللی به‌شمار می‌رود که حقوق موضوع آن نشأت گرفته از عقد بیع کالا میان دو طرفی که در کشورهای مختلفی اقامت دارند، بوده و محل تجارت «عامل» (مؤسسات فاکتورینگ) یک کشور متعاقد (کشور عضو کنوانسیون) باشد، و یا قانون حاکم بر عقد بیع کالا و نیز عاملیت (عقد فاکتورینگ) قانون یک کشور متعاقد باشد.

۳. دامنه شمول کنوانسیون اتاوا

مطابق بند ۲/الف ماده ۱ کنوانسیون اتاوا: ۱- مطالبات موضوع عقد عاملیت باید ناشی از عقد فروش کالا و یا عرضه خدمات (معاملات تجاری) باشد. به عبارتی دیون

1. Full Service Factoring/ Real Factoring
2. Quasi Factoring
3. Spasić, Ivanka; Milorad Bejatović & Marijana Dukić-Mijatović, "Factoring - Instrument of Financing in Business Practice - Some Important Legal Aspects", *Ekonomika istraživanja*, Vol. 25, No. 1, 2012, p. 197.
4. Affacturage-National
5. Affacturage-International

۶. عاملیت ملی یا داخلی ۸۰٪ الی ۹۰٪ از حجم کل معاملات فاکتورینگ را تشکیل می‌دهد.

موضوع عقد عاملیت دیون تجاری محض است. بدین ترتیب سایر دیون از دامنه شمول این کنوانسیون خارج است. هدف اساسی کنوانسیون از استثنا کردن معاملات غیر تجاری، تبعیت این گونه معاملات از رژیم خاص (همانند قوانین حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان) در شماری از کشورها است. در رابطه با این پرسش که آیا کنوانسیون باید بر قرارداد واگذاری مطالبات ناشی از عقد بیع شفاهی نیز اعمال شود یا خیر، کمیته تدوین‌کنندگان یونیدروا^۱ مقرر کردند که این امر باید به قانون صالح حاکم بر قرارداد بیع واگذار شود، زیرا کنوانسیون مزبور در پی تحمیل هیچ‌گونه شرایطی بر عقد بیع نمی‌باشد. ۲- صادرکننده باید تاجر باشد. لذا غیرتاجر نمی‌تواند دیون خود را ضمن عقد عاملیت واگذار کند.^۳ ۳- عقد عاملیت، بین‌المللی باشد. ۴- عقد عاملیت افشاشده باشد (لزوم اخطار به بدهکار).

۴. ماهیت حقوقی عاملیت بین‌المللی موضوع کنوانسیون اتاوا از منظر

حقوق ایران

برای شناخت ماهیت حقوقی این عقد از منظر حقوق ایران لازم است آن را از جهت عملیات یا خدمات عاملیت بین‌المللی با توجه به کنوانسیون اتاوا مورد بررسی قرار دهیم. بند ۲/الف از ماده ۱ این کنوانسیون به تعریف تعهد صادرکننده در برابر عامل بر انتقال مطالبات ناشی از معاملات تجاری که کارکرد معمول این عقد است، می‌پردازد. سیاق ماده این گونه است: «صادرکننده کالا می‌تواند مطالبات را واگذار کرده یا در آینده چنین کند ...». ولی این ماده درباره روند واگذاری مطالبات ساکت است. بند ۲/ب به بیان تعهدات عامل می‌پردازد. در عمل، عامل به انجام فعالیت‌های بسیار متنوعی می‌پردازد. با این حال به نظر می‌رسد که تدوین‌کنندگان کنوانسیون به ذکر صرفاً چهار مورد از این فعالیت‌ها که اغلب در عملیات عاملیت یافت می‌شوند، اکتفا کرده‌اند، که عبارتند از: ۱- تأمین مالی؛ به این ترتیب که عامل، در مقابل پرداختی که توسط مشتری (بدهکار) در سررسید انجام خواهد شد، مبلغی را متناسب با ارزش مطالبات به فروشنده (طلبکار) می‌پردازد. ۲- حسابداری؛ عبارت است از رسیدگی به حساب‌های صادرکننده (فروشنده) با مشتریانش، که شامل حفظ و نگهداری، انجام مکاتبات و مطالبه پرداخت از بدهکاران است. ۳- وصول مطالبات قابل وصول، که در این صورت واردکننده (بدهکار) دین را مستقیماً به عامل پرداخت

1. Unidroit committee of governmental experts

2. UNIDROIT, Study LVIII - Doc. 33, Draft Convention on International Factoring as adopted by a Unidroit committee of governmental experts on 24 April 1987 with Explanatory Report prepared by the Unidroit Secretariat, Rome, 1987, p. 10.

کرده و عامل مبالغ دریافتی را به ترتیبی از پیش توافق شده با صادرکننده (طلبکار اصلی) به وی می‌پردازد. ۴- حمایت از طلبکار در برابر قصور بدهکاران در پرداخت؛ در این مورد عامل پرداخت، طلب‌های قابل وصول را در مقابل حق‌العمل برای صادرکننده (فروشنده) تضمین می‌کند، که اشاره به ارزیابی احتمال ورشکستگی (و یا اعسار) مشتریان صادرکننده توسط عامل دارد. انتخاب ترکیب این خدمات (حداقل دو مورد) به طرفین این عقد واگذار شده است. بنابراین برای اینکه یک عقد واگذاری مطالبات، عاملیت مشمول کنوانسیون به شمار رود، عامل باید حداقل دو مورد از موارد چهارگانه را انجام دهد. لذا انجام هیچ یک از فعالیت‌های مزبور، منفرداً، مشخصه عاملیت نمی‌باشد. با این حال هرکدام از فعالیت‌های سابق‌الذکر می‌تواند در عقد عاملیت موجود نباشد. با اشاره به اینکه مقررات مذکور در بند (ب) و نیز شرایط موجود در بندهای (الف) و (ج) ماده ۱ کنوانسیون مجموعاً باید وجود داشته باشند، اگر در ضمن عقد توافق شود که مطالبات صادرکننده به عامل منتقل شود و به واردکننده (بدهکار) اخطاریه‌ای مبنی بر چنین انتقالی ارسال شود (عاملیت افشا شده)^۱، در این صورت حتی اگر دو فعالیت انجام گرفته توسط عامل، وصول مطالبات و رسیدگی به حساب‌های قابل وصول (حسابداری) باشند، این قرارداد مشمول کنوانسیون به شمار می‌رود.^۲ بنابراین طبق اصل حاکمیت اراده، طرفین می‌توانند در حدود کنوانسیون، به هر نحو که مایلند، تراضی کنند. این اختیار سبب شده است که چند عمل حقوقی معین به صورت یک قرارداد خاص درآید. این عملیات متنوع و گسترده عاملیت، شناخت دقیق ماهیت این نهاد را با مشکل مواجه نموده است. حال ماهیت این قرارداد و به طور کلی نهاد عاملیت بین‌المللی را چگونه می‌توان تحلیل نمود؟

در عاملیت سنتی، عنصر انتقال مالکیت جزو مقتضای ذات عقد است و خلاف آن را نمی‌توان توافق نمود و عمل جوهری در عاملیت سنتی، خرید دیون تجاری صادرکننده قبل از سررسید است که بدون آن عاملیت محقق نمی‌شود. ولی در عاملیت موضوع کنوانسیون اتوا بر خلاف نظری که بدون توجه به اختیار عامل در انتخاب عملیات، ماهیت آن را منحصرأ انتقال مالکیت مطالبات (همانند عاملیت سنتی) می‌داند^۳، باید اذعان نمود که اراده طرفین از آن فراتر رفته و حتی در فرضی که

1. Disclosed Factoring

2. UNIDROIT, Study LVIII-Doc. 33, Op. cit., p. 10.

۳. باباپور، محمد، «بررسی تطبیقی کنوانسیون عاملیت بین‌المللی در حقوق ایران»، فقه و حقوق، سال چهارم، شماره ۱۴، پاییز ۱۳۸۶، ص. ۶۹.

موضوع توافق آنها انتقال مطالبات (که جوهره و اساس عاملیت را تشکیل می‌دهد) نبوده و صرفاً نمایندگی در وصول این مطالبات به عنوان عملیات اصلی در کنار سایر عملیات فرعی باشد نیز عقد عاملیت محسوب می‌شود. این امر نوآوری کنوانسیون اتاوا است که در حقوق هیچ‌کدام از کشورها یافت نمی‌شد. هرچند در کشورهای مختلف ممکن است اختلاف‌نظرهایی بر سر برخی از این عملیات موجود باشد و لیکن حقوق هیچ یک از کشورهای انگلوساکسونی که منشأ این عقد است و نه حقوق کشورهای لاتین که بستر پیشرفت و تکامل این عقد است، چنین اختیاری را در پذیرش برخی از این عملیات به‌عنوان عملیات اصلی و رد سایر آنها به عامل اعطا نکرده است.

از آنجا که هرکدام از عملیات فوق به‌تنهایی نمایان‌گر ماهیت خاصی برای عاملیت است، و از سوی دیگر با توجه به اختیار عامل در انتخاب دو مورد از عملیات چهارگانه مدنظر کنوانسیون، مجموعه عملیاتی که در فرایند عاملیت رخ می‌دهد، ترکیبی از چند عمل حقوقی در هم آمیخته است که عقدی واحد را به وجود می‌آورند. با اندکی دقت معلوم می‌شود که عقد عاملیت مدنظر کنوانسیون نتیجه ترکیب دو یا چند عقد مختلف است. بنابراین برای احراز ماهیت حقوقی با توجه مرکب بودن عقد عاملیت از چند عقد مختلف، نخست باید به تحلیل ماهیت حقوقی عقود مرکب در حقوق ایران بپردازیم و سر انجام نحوه واگذاری مطالبات را جهت احراز ماهیت عاملیت بین‌المللی و نتایج حاصل از آن را بیان خواهیم کرد.

۴-۱. ماهیت حقوقی عقد مرکب

در تعریف عقد مرکب گفته شده است: «گاه چند عمل حقوقی معین به صورت قرارداد خاصی درمی‌آید، چنانچه با کمی دقت معلوم می‌شود که گروهی از عقود غیرمعین نتیجه اختلاط و ترکیب دو یا چند عقد معین است...»^۱ در نتیجه هرگاه در عقدی واحد، عقود متعدد و مختلف به گونه‌ای ترکیب یابند که استقلال خویش را از دست دهند و تمامی آنها عقد واحدی را تشکیل دهند عقد مرکب به وجود آمده است. عقد مرکب در واقع عقد واحدی است که آثار حقوقی عقود متعددی در آن مشاهده می‌شود. این امر تحلیل ماهیت حقوقی آن را مشکل ساخته و منجر به ارائه نظرات متعددی شده است. به نظر می‌رسد که دیدگاه صحیح‌تر در حقوق ما «تحلیل آن با توجه به اثر اصلی قرارداد» است.^۲ مطابق این نظریه، عقود متعدد و مختلفی را که در

۱. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، جلد ۱، شرکت سهامی انتشار، چاپ ۷، ۱۳۸۵، ص. ۹۷.

۲. جهت مشاهده بحث تفصیلی در این خصوص رجوع شود به: خورسندیان، محمدعلی؛ و قادر شنیر، ماهیت عقد مرکب در فقه و حقوق موضوعه، نشریه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال ۳، شماره ۴، تابستان ۱۳۹۳.

عقد مرکب وجود دارند باید عقدی واحد دانست که ماهیت آن منطبق با ماهیت تعهد اصلی است و سایر تعهدات به صورت فرعی و شرط ضمن عقد اصلی محسوب می‌شوند. در واقع، بر طبق این دیدگاه، عقد مرکب را نمی‌توان به عنوان عقدی مستقل یا ترکیبی از چند عقد تحلیل کرد. بلکه در مورد عقدی که آثار عقود متعدد در آن وجود دارد باید اثر اصلی عقد را مورد ملاحظه قرار داد و سایر آثار را در قالب شرط ضمن عقد تحلیل کرد. مرحوم دکتر شهیدی در تحلیل این عقود مقرر داشته‌اند: «این عقود با ملاحظه موارد کاربرد و موضوعات مختلف آنها ساختمان قراردادی خاصی در عالم اعتبار داشته که هریک از آنها آثار حقوقی مشخص و متفاوتی با دیگر قراردادها دارد. این ماهیت‌ها عناصر مادی نیستند تا همانند تخم‌مرغ و شکر و آرد، بتوان آنها را در هم زد و از آنها ماهیتی جداگانه آورد و قانون نیز ماهیت مخلوطی از دو یا چند عقد از عقود معین طراحی نکرده است. ... در حقوق ایران این‌گونه قراردادها را می‌توان قرارداد و شرط ضمن آن دانست. در بین کالاها و خدمات ارائه‌شده، هرکدام عرفاً مهم‌تر و اساسی‌تر باشد، آن را موضوع اصلی عقد دانست.»^۱ بر طبق این دیدگاه در قرارداد عاملیت بین‌المللی واگذاری مطالبات یا به صورت انتقال مالکیت است یا با حفظ مالکیت و دادن نوعی نمایندگی جهت وصول. سایر موارد از قبیل انجام امور حسابداری و حمایت از طلبکار در برابر قصور بدهکاران از پرداخت در قالب شرط ضمن عقد تحلیل می‌شود. دکتر کاتوزیان نیز بر این نظر است که عقد مرکب را باید با توجه به عقدی که جنبه اساسی و جوهری دارد تفسیر کرد و احکام و قواعد اختصاصی مربوط به آن عقد را جاری کرد.^۲ بر این اساس، در قرارداد عاملیت بین‌المللی باید از میان عملیات چهارگانه انتقال مطالبات، نمایندگی در وصول، انجام امور حسابداری و تضمین وصول مطالبات، ترکیبی از حداقل دو مورد از این عملیات وجود داشته باشد. با وجود این، در این قرارداد عنصر واگذاری مطالبات برتری دارد که با توجه به اراده و توافق طرفین ممکن است به صورت قرارداد انتقال مالکیت مطالبات به عامل، یا با حفظ مالکیت برای طلبکار اصلی و فقط اعطای نمایندگی در وصول به عامل باشد. چنان‌که با توجه به اسناد توضیحی سازمان ملل در خصوص کنوانسیون عاملیت بین‌المللی، عنصر واگذاری مطالبات جوهره اساسی این عقد را تشکیل می‌دهد و ارائه سایر خدمات جنبه فرعی و تبعی دارد. در نتیجه در تحلیل ماهیت حقوقی عاملیت بین‌المللی می‌توان گفت که اگر قصد و هدف اصلی طرفین از انعقاد عقد عاملیت انتقال مالکیت مطالبات باشد، باید

۱. شهیدی، مهدی، تشکیل قراردادها و تعهدات، جلد ۱، تهران، نشر حقوقدان، ۱۳۷۷، ص. ۱۱۳.

۲. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، منبع پیشین، ص. ۹۹.

ماهیت عقد را بر مبنای عقد انتقال مطالبات تحلیل کرد و اگر قصد و هدف طرفین حفظ مالکیت مطالبات برای صادرکننده و فقط دادن نمایندگی در وصول به عامل باشد باید عقد عاملیت را برپایه همان قصد توصیف کرد و سایر جنبه‌های قرارداد را فرعی و تبعی دانست و شایسته نیست که عقد عاملیت را به دو یا چند عقد جداگانه یا یک عقد مرکب از این دو تحلیل کرد. در نتیجه در تحلیل ماهیت حقوقی عقد عاملیت هدف غایی متعاقدين از انعقاد این عقد یا انتقال مالکیت مطالبات است یا نوعی نمایندگی جهت وصول که این دو عملیات اثر جوهری عقد است و بدون وجود طلب، عاملیت مفهوم ندارد. بنابراین سایر خدمات فرعی و تبعی انگاشته می‌شود؛ زیرا اگر همین اثر اصلی عقد نادیده گرفته شود، عقد خاصیت خویش را از دست خواهد داد. در نتیجه در عقد عاملیت بین‌المللی، ارائه خدمات در کنار نحوه واگذاری مطالبات (به شکل انتقال مالکیت یا نمایندگی در وصول) چهره‌ای فرعی دارد و آنچه در نهایت مورد لحاظ قرار می‌گیرد اثر اصلی عقد است نه سایر آثار.

۲-۴. طرق واگذاری مطالبات و ماهیت آن

در تحلیل ماهیت حقوقی عقد عاملیت، نحوه واگذاری مطالبات، عنصر اساسی و جوهره ذات این عقد می‌باشد و سایر خدمات در مقابل واگذاری مطالبات، فرعی و تبعی است. عامل با توافق با طلبکار اصلی مختار است که مالکیت این مطالبات را قبول کرده و به عنوان اصیل به بدهکار رجوع نماید یا اینکه با حفظ مالکیت مطالبات برای طلبکار اصلی فقط نمایندگی در وصول آن را بپذیرد؛ امری که باعث دوگانگی در ماهیت عقد عاملیت می‌شود که در ذیل به بررسی آن می‌پردازیم.

۱-۲-۴. انتقال مالکیت مطالبات

کنوانسیون اتاوا در بند ۲/ب ماده ۱ در وظایف برشمرده شده برای عامل، اولین تعهد را تأمین اعتبار برای فروشنده (صادرکننده) از طریق پرداخت بهای مطالبات در برابر انتقال مالکیت مطالبات ناشی از صورتحساب‌های تجاری معرفی کرده است. در این مورد باید میان دو فرض تفکیک قائل شد. فرضی که عامل به پرداخت بهای این مطالبات قبل از سررسید می‌پردازد^۱ و فرضی که عامل بهای مطالبات فروشنده را در سررسید یا اندکی پس از آن تاریخ انجام می‌دهد.^۲

در شیوه نخست که معمول‌ترین روش تأمین اعتبار است، فروشنده از عامل تقاضای انجام وظیفه عاملیت را به نحو کامل می‌نماید؛ از جمله تأمین اعتبار و تضمین

1. Traditional-Factoring
2. Maturity Factoring

ملاتت بدهکار.^۱ اما در فرض دوم، عامل بهای مطالبات فروشنده را در سررسید یا اندکی پس از آن می‌پردازد. در این مورد عامل مستحق سود یا بهره نیست بلکه تنها مستحق نوعی حق‌العمل تنزیل است.

با رجوع به کنوانسیون اتاوا ملاحظه می‌کنیم که چگونه این کنوانسیون نوع دوم را از قلم انداخته و صرفاً به نوع نخست (پرداخت فوری بهای مطالبات) اکتفا کرده است و همچنین صرفاً به حق‌العملی که فروشنده به عامل در ازای پذیرش ریسک عدم ایفای دیون بدهکاران می‌پردازد اشاره کرده است، بدون اینکه به سود مورد استحقاق عامل در ازای پرداخت دیون قبل از سررسید بپردازد. آنچه در این میان برای ما حائز اهمیت است، تأکید صریح کنوانسیون بر خصیصه اعتباری (پرداخت قیمت دیون قبل از سررسید) این عقد است که در زیر به بررسی آن می‌پردازیم.

۴-۲-۱. مفهوم انتقال طلب و موضوع آن

انتقال طلب به جابجایی طلب از دارایی طلبکار به دارایی دیگری گفته می‌شود.^۲ این واژه به این معنا نظر دارد که شخص، مالکیتی را که خود بار مالی دارد، به دیگری انتقال دهد. به طوری که مالکیت او به محض این انتقال از بین رفته و مالکیت شخص یا اشخاص دیگری جای مالکیت او را بگیرد.^۳ موضوع انتقال طلب، حق دائن است. این حق شخصی (حق شخصی در مقابل حق عینی استعمال می‌شود که به آن حق دینی یا حق ناشی از تعهد گویند) دائن است که از طریق انتقال طلب از دائن اصلی به دائن جدید منتقل می‌شود. به عبارت دیگر، حق دینی (طلب) موضوع انتقال است که بر ذمه مدیون قرار دارد (ماده ۳۸ قانون اعسار، بند ۲ ماده ۲۹۲ ق.م.) و ذمه مخزن اموال کلی است.^۴ در نتیجه حقی مشمول عنوان طلب است که بر ذمه تعلق گیرد.

در عقد عاملیت صورتحساب‌ها در حکم سند طلب هستند. فی‌نفسه مالیتی ندارند و عین معین نیستند، بلکه نشانه بدهی فی‌الذمه هستند که به اعتبار دارنده، طلب و به اعتبار محال‌علیه، دین نامیده می‌شوند و معاملاتی که با این اوراق واقع می‌شود، با خود آنها واقع نمی‌شود، بلکه به اعتبار ارزشی است که این اوراق نماینده آن است. ارزش محتوای آن در زمره اموال غیر مادی است که وجود مادی و محسوس در عالم خارج ندارد بلکه فقط در عالم اعتبار دارای وجود است به عبارتی یک مال منقول غیرمادی محسوب می‌شود (ماده ۲۰ ق.م.).

1. Sussfeld, Louis Edmond, le Factoring, Presses Université de France, 1968, p. 4.

۲. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی: نظریه عمومی تعهدات، مؤسسه نشر یلدا، ۱۳۶۷، ص. ۲۷۴.

۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، دایره‌المعارف حقوق مدنی و تجارت، جلد ۱، نشر بنیاد، ۱۳۵۶، ص. ۳۴۲.

۴. موسوی خمینی، سید روح‌الله، البیع، جلد ۱، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹، ص. ۳۵.

طلب (دین) از حیث موضوع مفهومی اعم است زیرا هم بدهی پولی و بدهی غیر پولی (کالایی) را شامل می‌شود، در حالی که صورتحساب‌های موضوع عقد عاملیت فقط بدهی پولی را شامل می‌شود. بین دین پولی و دین تأمین ارزش تفاوت است. در هر دو تعهد، مدیون باید مقداری پول بپردازد ولی در تعهد به پول، موضوع دین انتقال مقدار معینی پول است و دادن پول، هدف اجرای تعهد است. ولی در تعهد به ارزش موضوع دین انجام دادن کار، انتقال ارزش معین و حصول نتیجه معینی است که باید به وسیله پول پرداخت شود و پول وسیله اجرای تعهد است.^۱

در مواردی هم که موضوع تعهد پول رایج نیست، ارزشهای خارجی موضوع دین وجه نقد و به عبارتی دین پولی است.^۲ دین پولی موضوع عقد عاملیت در واقع حق مطالبه مقداری پول از مشتری (مدیون) است که در مقابل طلبکار موظف به انتقال است و این حق (مطالبه مقدار پول) در عرف مال محسوب می‌شود و می‌توان به موجب عقد به غیر انتقال داد. زیرا به موجب ماده ۲۱۴ ق.م.مورد معامله باید مال باشد. ولی قانون‌گذار مشخص نکرده است که آیا مراد اموال مادی است یا اعم از مادی و غیرمادی.^۳ معمولاً از اموال غیر مادی به حقوق مالی تعبیر می‌شود.^۴ به نظر می‌رسد که با توجه به اطلاق واژه «مال» در ماده ۲۱۴ ق.م.مورد معامله و مواد دیگر آن، از قبیل مواد ۸۷۲، ۹۴۶، ۱۲۱۴ و ۱۲۱۷، مراد قانون‌گذار از مال مورد معامله، به معنای محدود آن یعنی اموال مادی نیست، بلکه معنای عام و وسیع آن مراد است؛ به طوری که شامل اموال غیر مادی و به طور کلی همه حقوق مالی می‌شود، اعم از آنکه این حقوق بر پایه مادی استوار باشند یا غیرمادی.^۵ حقی که شخص بر عین یا منافع مالی دارد، مانند حق انتفاع از عین. حق رهن که تابع قواعد مربوط به حقوق عینی است در انتقال طلب معامله نمی‌شود.^۶ طلب موضوع عقد عاملیت از حقوق مالی است و اصل انتقال‌پذیری آن است که موضوع آن پول است.

۱. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، جلد ۴، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، چاپ ۶، ۱۳۸۱، صص. ۲۹۰-۲۶۱.

۲. رأی وحدت رویه شماره ۹۰ مورخ ۱۳۵۳/۱۰/۴ انتشار در روزنامه رسمی شماره ۸۷۸۰ به تاریخ انتشار ۱۳۵۳/۱۲/۶: «... عبارت وجه نقد مذکور در این ماده (ماده ۷۱۹ قانون آیین دادرسی) اعم است از پول رایج ایران و پول خارجی و بنابراین مقررات فصل سوم قانون مزبور در باب خسارت تأخیر تأدیه شامل دعاوی نیز که خواسته آن پول خارجی است می‌شود...».

۳. اموال مادی، اموالی هستند که پایه مادی دارند و می‌توان آنها را مشاهده و لمس نمود و اموال غیر مادی، اموالی هستند که در خارج وجود ندارند؛ ولی جامعه وجود آن را اعتبار نموده و قانون هم آن را شناخته است؛ مانند حق مخترع و حق سرقفلی.

۴. امامی، سید حسن، حقوق مدنی، جلد ۱، کتاب فروشی اسلامیة، چاپ ۲۴، ۱۳۸۳، ص. ۲۶.

۵. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی: دوره مقدماتی اموال و مالکیت، نشر میزان، چاپ ۶، ۱۳۸۲، ص. ۱۲.

۶. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی: نظریه عمومی تعهدات منبع پیشین، ص. ۲۳۶.

۲-۱-۲-۴. اطراف عقد عاملیت (انتقال مطالبات)

در عقد عاملیت فروشنده/صادرکننده (طلبکار اصلی) و عامل (دائن جدید) بر انتقال طلبی که صادرکننده بر ذمه مدیون خود مشتری/واردکننده دارد، به شخص عامل توافق می‌کنند که در نتیجه آن، عامل (منتقل‌الیه) در همان حق، جانشین صادرکننده (دائن اصلی) می‌شود. در عقد عاملیت وجود سه طرف ضروری است، فروشنده (فاکتورایزی)^۱ که انتقال‌دهنده مطالبات است، عامل (فاکتور/فاکتورایزور)^۲ که جانشین طلبکار (صادرکننده) می‌شود و مشتری یا همان بدهکار که ذمه وی در مقابل عامل مشغول می‌شود. لیکن این امر بدین معنا نیست که ما با یک توافق سه‌جانبه ناشی از عقد واحد مواجه هستیم، بلکه چهارچوب این رابطه سه‌جانبه نتیجه در هم آمیختن غیرمستقیم دو عقد مجزا است.

عقد نخست، عقد ارائه خدمات یا بیع کالا است که رابطه میان صادرکننده (طلبکار) و واردکننده (مدیون) است. عقد دوم، عقد عاملیت است که رابط میان عامل و انتقال‌دهنده (صادرکننده) است. صادرکننده (طلبکار) طرف اصلی در هر دو عقد محسوب می‌شود در صورتی که عامل نسبت به عقد بیع، و مشتری (مدیون) نسبت به عقد عاملیت بیگانه محسوب می‌شوند. لیکن به موجب چارچوب توافق^۳ صورت‌گرفته میان صادرکننده و عامل، این رابطه سه‌جانبه محقق می‌شود و بر مبنای این توافق، عامل حق رجوع مستقیم (به نام و حساب شخصی خود) به مدیون (مشتری) را برای استیفای دیون موجود در صورت حساب‌ها می‌یابد. این در حالی است که مشتری (مدیون) نسبت به عقد اعتباری میرم میان عامل و انتقال‌دهنده (صادرکننده) بیگانه است^۴ زیرا طلب جزو اموال دائن است. مطابق اصل کلی هر صاحب مالی می‌تواند مال خود را به هر شخص بخواهد انتقال دهد، بدون اینکه اراده شخص دیگری در آن تأثیر داشته باشد. اصل تسلط مالک بر مایملک خود، اصلی محکم است و تخلف از اصل مزبور باید در مواقعی به عمل آید که نص صریح قانونی وجود داشته باشد.^۵ کنوانسیون اتاوا نه تنها رضایت مدیون را جزو شرایط اساسی صحت عقد عاملیت قرار نداده، بلکه طبق ماده ۶ حتی مخالفت بدهکار و یا توافق قبلی خلاف آن (میان طلبکار و بدهکار) را در صحت این انتقال بی‌تأثیر اعلام کرده است (هرچند شایسته‌تر

1. Fournisseur-Factorizee

2. Affactureur-Factorizor

3. Convention-Cadre

4. Ghestin, Jacques, La Destination Entre Les Partis et Les Tiers Du Contract, J.C.P., 1992, p. 517.

۵. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی: نظریه عمومی تعهدات، ص. ۲۶۳؛ عدل، مصطفی، حقوق مدنی، انتشارات

امیرکبیر، چاپ ۵، ۱۳۳۱، ص. ۱۶۷.

بود که کنوانسیون این توافق قبلی طرفین بر عدم انتقال مطالبات را محترم بشمارد). اما با این حال کنوانسیون اتاوا اعلام و اخطار مبنی بر انتقال مطالبات موضوع صورتحساب‌ها به عامل را لازم دانسته است (بند ج ماده ۲). علی‌رغم الزامی بودن اعلام بدهکار از انتقال دین موضوع عقد عاملیت در این کنوانسیون، این اعلام نه شرط صحت عقد عاملیت است و نه شرط نفوذ آن بر بدهکار، زیرا انتقال به‌تنهایی و بدون ضرورت یا شرط اعلام به بدهکار یا حتی موافقت او نافذ است. اراده مشتری (بدهکار) هیچ‌گونه نقش مثبت یا منفی در انعقاد یا نفوذ عقد عاملیت که بین فروشنده (طلبکار) و عامل (مشتری دیون) واقع می‌شود، ندارد.^۱ تنها اثر اخطار این است که بدهکار از جانشینی مؤسسه عامل نسبت به مطالبات در ذمه خود آگاه باشد و از ایفای به غیر این مؤسسه (که اکنون مالک دین موضوع صورتحساب‌های قابل وصول است) ممنوع می‌باشد و هر ایفایی که به غیر عامل صورت گیرد، صحیح نبوده و مسئولیت آن بر واردکننده (بدهکار) دارای سوءنیت است.^۲

۳-۱-۲-۴. ماهیت حقوقی انتقال مطالبات

راجع به ماهیت حقوقی انتقال مطالبات ناشی از صورتحساب‌های قابل وصول در کنوانسیون اتاوا، عقد خاص و معینی پیش‌بینی نشده است. در حقوق ایران، ماهیت انتقال طلب برحسب تغییر اسباب و طرق انتقال متفاوت است. انتقال طلب ممکن است به طریق قهری یا ارادی باشد. انتقال طلب در اثر مرگ طلبکار، قهری و در زمان حیات، ارادی است. انتقال ارادی به طرق متعددی می‌تواند انجام گیرد که برحسب اغراض و مقاصد طرفین عقد متفاوت می‌شود.^۳ بنابراین، ماهیت قرارداد انتقال طلب اگر به شکل معامله در برابر پول انجام گیرد، بیع دین و تابع شرایط و احکام خاص این عقد است و در صورتی که عقد مبنی بر تسامح و تسالم باشد، ماهیت این قرارداد صلح خواهد بود.^۴ ولی در جایی که قرارداد انتقال از حیث موضوع و آثار مورد توافق با هیچ یک از عقود معین قابل انطباق نباشد، عمل حقوقی آنها از حیث شرایط و آثار مطابق ماده ۱۰ ق.م. خواهد بود که انتقال طلب به معنای اصطلاحی خود (عقدی نامعین) است.^۵ در تمامی مصادیق ذکرشده، انتقال طلب

۱. شافی، نادر عبدالعزیز، منبع پیشین، ص. ۳۷۷.

۲. ماده ۳۸ قانون اعسار؛ الملحم، عبد الرحمن؛ و محمود أحمد الکندری، عقد التمويل باستخدام الحقوق التجارية و عملیات التوريق، الكويت، لجنة التأليف و التعريب و النشر، ۲۰۰۴ م، ص. ۵۱.

۳. کاتوزیان، ناصر، نظریه عمومی تعهدات، منبع پیشین، ص. ۲۴۹؛ سنهوری، عبدالرزاق احمد، انتقال و سقوط تعهدات، ترجمه علیرضا امینی، محمدحسین دانش‌کیا و منصور امینی، مرکز نشر کتاب، بی‌تا، ص. ۲۵.

۴. کاتوزیان، ناصر، نظریه عمومی تعهدات، منبع پیشین، ص. ۲۴۹.

۵. همان، ص. ۲۷۴.

صورت واحدی دارد که در آن متعهدله مافی‌الذمه متعهد را به شخص ثالثی منتقل می‌کند (ماده ۳۸ قانون اعسار، بند ۳ ماده ۲۹۲ ق.م). در نتیجه ماهیت، به لحاظ اغراض و مقاصد گوناگون در هر نوع انتقال، بستگی به اراده حقیقی طرفین این عقد دارد و در صورتی که در قالب عقد معین صورت گیرد، دیگر انتقال طلب عقدی غیرمعین در قالب ماده ۱۰ ق.م. نیست، بلکه باید آن را عقدی معین مطابق اراده حقیقی طرفین دانست.

همان‌طور که بیان شد، در عقد عاملیت، صادرکننده (طلبکار اصلی) مالکیت طلبی را که مطابق صورتحساب‌های قابل‌وصول از واردکننده (بدهکار) دارد، به کمتر از مبلغ اسمی آن به مؤسسه عاملی انتقال می‌دهد. با توجه به این عملیات به نظر می‌رسد که عقد عاملیت در مواردی که ناقل مالکیت مطالبات است، بر خلاف نظری که آن را انتقال طلب به معنای خاص کلمه در چهارچوب ماده ۱۰ قانون مدنی می‌داند^۱، نیست. زیرا در عاملیت با توجه به اینکه صادرکننده (طلبکار اصلی) سند طلب خود را در مقابل مبلغی کمتر از مبلغ اسمی واگذار می‌کند و در مقابل عامل ثمن معامله به صورت وجه نقد پرداخت می‌کند، عوضین در مقابل هم قرار دارند و غرض اصلی مؤسسات عاملی دست یافتن به طلب ناشی از صورتحساب‌ها و هدف صادرکننده (طلبکار اصلی) رسیدن به وجه نقد قبل از سررسید مطالبات خود است و از آنجا که موضوع عقد عاملیت طلب (مال کلی فی‌الذمه) در مقابل عوض است که به نظر می‌رسد که عقدی معین به نام بیع دین با احکام و آثار خاص خود است نه یک انتقال طلب ساده. به عبارتی، هر جا که موضوع طلب، عین کلی باشد و در برابر عوضی واگذار شود، قرارداد انتقال، بیع دین است.^۲ در فقه عامه نیز مذهب مالکی انتقال طلب در مقابل عوض را بیع کلی فی‌الذمه یا بیع دین می‌نامند.^۳

از سوی دیگر در تفسیر هر قرارداد بایستی به مفاد قرارداد و قصد مشترک طرفین توجه نمود. در عقد عاملیت با انعقاد قرارداد و پرداختن ثمن معامله از سوی عامل، قصد واقعی و خواست اصلی طرفین بر این واقع می‌شود که خریدار مالک طلب با مشخصات مندرج در عقد باشد. در واقع خواست اصلی طرفین تملیک و تملک از راه بیع است و هدف از پرداخت ثمن نقدی چیزی جز این امر نیست. بنابراین فروشنده حق ندارد بعد از انعقاد عقد عاملیت، طلب ناشی از صورتحساب‌ها را به دیگری انتقال دهد.

۱. باباپور، محمد، منبع پیشین، ص. ۷۱.

۲. مواد ۳۵۱ و ۳۵۰ ق.م؛ کاتوزیان، ناصر، نظریه عمومی تعهدات، منبع پیشین، ص. ۲۴۹.

۳. سنهوری، عبدالرزاق احمد، منبع پیشین، ص. ۱۷.

در عقد عاملیت، ثمن معامله معلوم و مشخص است و مؤسسات عاملی به موجب عقد ملزم می‌شوند ثمن را نقداً هنگام انعقاد عقد به فروشنده پرداخت نمایند. در این قرارداد ممکن است طرفین شرط کنند که به منظور تضمین پرداخت طلب از سوی مدیون اصلی (محال علیه سند) صادرکننده تا وصول کامل طلب، ضامن مدیون اصلی باشد. لذا از گنجانیدن چنین شرطی در این عقد معلوم می‌شود که مؤسسات نوعی مالکیت نسبت به طلب مزبور دارد.

اما مسأله قابل تأمل در بیع طلب پولی، قابلیت مبیع واقع شدن طلب است، زیرا همان طور که بیان گردید، طلب مال منقول غیرمادی محسوب می‌شود ولی قانون مدنی ایران، شرط عینیت را از خصوصیات مبیع بر شمرده است. ماده ۳۳۸ بیع را تملیک عین به عوض معلوم می‌داند، حال آنکه مطالبات پولی، از حیث لزوم عین بودن مبیع دارای تعارض ظاهری با ماده ۳۳۸ قانون مدنی است؛ در برخی از آثار حقوقی استدلال شده است که در حقوق موضوعه ایران ظاهر ماده ۳۳۸ ق.م. دلالت بر لزوم عین بودن مبیع دارد و از مواد دیگری مانند مواد ۳۲۵، ۳۲۶ و ۳۵۰ همان قانون استنباط می‌شود که مبیع فقط می‌تواند عین باشد، حال عین می‌تواند عین کلی فی‌الذمه، کلی در معین یا عین خارجی باشد.^۱ برخی از اساتید حقوق^۲ نیز ماده ۳۳۸ ق.م. را ناظر به مبیع شخصی دانسته‌اند و برخی دیگر^۳ انتقال اموال غیرمادی را تابع قواعد عمومی معاملات و پاره‌ای از قواعد خاص، که در قانون روابط موجر و مستأجر آمده است، دانسته‌اند. هر چند که معتقدند کلمه فروش عرفاً در این مورد هم به کار می‌رود. مرحوم شهیدی با استناد به ماده ۳۳۸ ق.م. و محدودیت این ماده نسبت به شمول اموال غیرمادی، معتقدند که مبیع نمی‌تواند منفعت، عمل یا حقی نظیر حق ارتفاق و ... باشد، و در مورد ثمن چون قیدی در تعریف نیامده است پس عین، منفعت و عمل می‌تواند ثمن باشد.^۴ بنابراین با این استدلال در نظر ایشان مبادله دو حق یا حق و منفعت را نمی‌توان بیع دانست. از سویی از تعریف یکی دیگر از اساتید^۵ که بیع را «مبادله متعادل که در دارایی هریک از طرفین عقد، دو جریان مالی معکوس ایجاد کند» و نیز بنا بر نظر ایشان در مورد ماده ۳۳۸ که معتقدند این ماده منسوخ شده است و قانون‌گذار در مواد فراوانی که بعد از سال ۱۳۷۰ تصویب کرده است، در مورد بیع

۱. قاسمی، محسن، انتقال مالکیت در عقد بیع، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۸، ص. ۲۵.

۲. امامی، سید حسن، منبع پیشین، ص. ۴۱۹.

۳. صفایی، سید حسین، اشخاص و اموال، انتشارات میزان، ۱۳۸۵، ص. ۲۷۶.

۴. شهیدی، مهدی، حقوق مدنی ۶، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۲، ص. ۱۳.

۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، دانشنامه حقوقی، جلد ۵، انتشارات امیرکبیر، چاپ ۲، ۱۳۷۲، ص ۲۳۶.

خود را پایبند ماده ۳۳۸ ق.م. نمی‌داند، یعنی عین بودن مبیع را عنصر سازنده بیع نمی‌شمارد، استفاده می‌شود که بیع اختصاص به تملیک اعیان ندارد.^۱

در فقه امامیه نیز فقها هنگامی که در خصوص واژه عین سخن به میان می‌آورند به دو دیدگاه تقسیم می‌شوند. برخی از ایشان عین را در مقابل منفعت دانسته و لزوم عین بودن مبیع را مسلم شمرده‌اند و آن را بدون اشکال دانسته و ادعا کرده‌اند که اصطلاح فقها بر آن استقرار یافته است^۲ و گروهی نیز ذکر این واژه را در تعریف عقد بیع برای خروج منفعت و حق مالی می‌دانند.^۳ عده‌ای نیز در تبیین بیع دین میان واگذاری طلب به مدیون و غیرمدیون تمایز قائل شده‌اند. به گونه‌ای که ماهیت واگذاری طلب به مدیون را بیع دانسته، و ماهیت واگذاری بر غیرمدیون را باطل دانسته‌اند.^۴ لکن مشهور فقهای امامیه در ماهیت واگذاری طلب به مدیون یا غیرمدیون تفاوتی قائل نشده، آن را بیع دانسته‌اند.^۵

با توجه به نظرات فوق باید گفت که در عدم شمول عین مندرج در ماده ۳۳۸ ق.م. به اموال غیرمادی تردید نداشته‌اند، ولی در شمول آن اختلاف نظر مشاهده می‌شود. عده‌ای معتقدند که عین شامل حق و منفعت نمی‌شود و عده‌ای نیز معتقدند فقط عین برای خروج منفعت از تعریف بیع قید شده است.

در رد نظرات فوق و شمول ماده ۳۳۸ قانون مدنی بر بیع اموال غیرمادی از جمله طلب می‌توان به دلایل زیر استناد نمود:

الف - به نظر می‌رسد که هیچ یک از نظرات یادشده صحیح نمی‌باشد. زیرا اگرچه از ظاهر ماده ۳۳۸ ق.م. استفاده می‌شود که مبیع اختصاص به اعیان دارد، ولی با توجه به اینکه قانون‌گذار از عین یادشده در ماده ۳۳۸ ق.م. معنای لغوی و عرفی آن را اراده نکرده، نباید آن را در معنای لغوی یا عرفی حمل کرد و عین را به اموال مادی اختصاص داد، زیرا وقتی که در زبان قانون‌گذار واژه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد، ابتدا معنای

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، دایره‌المعارف حقوق مدنی و تجارت، پیشین، ص ۴۲۶.
۲. انصاری، شیخ مرتضی، مکاسب، جلد ۲، تبریز، انتشارات تقی علامه، ۱۳۷۷، ص ۲۲۳.
۳. انصاری، مسعود؛ و محمدعلی طاهری، مجموعه دانشنامه حقوقی (دانشنامه حقوق خصوصی)، جلد ۲، نشر مهربان فکر، ۱۳۸۴، ص ۱۶۴۵.
۴. حلی، ابن ادریس، محمدبن منصوربن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، جلد ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق، ص ۵۵؛ خامنه‌ای، سیدعلی، اجوبه الإستفتاءات، ترجمه احمدرضا حسینی، جلد ۲، المهدی، ۱۳۷۹، سؤالات ۸۶۴ و ۵۰۶.
۵. محقق کرکی (محقق ثانی)، جامع المقاصد فی شرح شرایع الإسلام، جلد ۵، قم، مؤسسه آل بیت، الطبعة ۲، ۱۴۰۸ ق، ص ۱۸؛ حسینی سیستانی، سیدعلی، توضیح المسائل، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۷۷، محلفات م. ۲۸؛ مکارم شیرازی، ناصر، توضیح المسائل، قم، انتشارات مدرسه علی بن ابی طالب، ۱۳۷۹، م. ۲۴۳۰؛ مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، جلد ۲۰، انتشارات صدرا، چاپ ۶، ۱۳۷۸، ص ۲۹۶؛ طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم، حاشیه مکاسب، تهران، دارالمعارف الإسلامیه، ۱۳۷۸، ص ۲۰۸.

واژه را باید از خود قانون‌گذار استفاده کرد و چه بسا قانون‌گذار آن را در معنای لغوی خود به کار نبرده باشد و چنانچه این مطلب از زبان قانون‌گذار، به طور صریح یا ضمنی قابل استفاده نباشد در این صورت باید آن را حمل به معنای لغوی یا عرفی کرد و عین را به اموال مادی اختصاص داد و نتیجه گرفت که در قانون نیز همان معنای عرفی یا لغوی مورد استفاده قرار گرفته است و در این مورد نیز با دقت و ملاحظه ماده ۳۵۰ ق.م. روشن می‌شود که قانون‌گذار آن را در معنای لغوی خود استعمال نکرده است، زیرا هرگز به کلی فی‌الذمه مال مادی گفته نمی‌شود.^۱

ب - با دقت در کلام فقها و قانون مدنی (مواد ۳۳۸ و ۳۵۰) در باب بیع روشن می‌شود که عین دارای اقسامی است و اعیان ابتدا به دو قسمت عین شخصی (معین) و عین کلی تقسیم می‌شوند. بیع عین نیز عبارت است از بیع مبیعی که در هنگام انعقاد عقد وجود خارجی دارد (عین شخصی) و یا در زمان تسلیم وجود خارجی پیدا می‌کند. «عین چه شخصی باشد چه کلی، و کلی در ذمه باشد یا مشاع و یا در معین، در هر حال می‌تواند مبیع قرار گیرد و مبیع باید یکی از همین اعیان باشد».^۲ پول نیز از اعیان خارجی و مثلی بوده،^۳ به طور کلی در ذمه در بیع طلب پولی مورد مبادله قرار می‌گیرد. اگرچه در این مبادله به مانند بیع سلف یا بیع نسبه، پول به واسطه عقد به حالت کلی در ذمه در نیامده و قبل از عقد به سببی از اسباب به شکل دین پولی بر ذمه مدیون مستقر شده است.

پ - قانون‌گذار در مواد متعدد لایحه اصلاحی قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، از جمله مواد ۳۴، ۳۵، ۳۶ و مواد ۷۸ و ۷۹ قانون تجارت، از فروش سهام شرکت‌ها نام می‌برد که مال غیرمادی بوده و این خود تأییدی بر این مدعاست که قانون‌گذار صرفاً معنای لغوی و عرفی عین را در نظر نداشته، زیرا سهام شرکت‌ها را علی‌رغم اینکه دارای وجودی اعتباری غیرمحسوس می‌باشند، به موجب عقد بیع قابل انتقال دانسته است.^۴

ت - با دقت در رابطه‌ای که انسان با اشیاء گوناگون دارد، در می‌یابیم در واقع حقوق غیرمادی و اعتباری است که موضوع حق و تکلیف قرار می‌گیرد و مورد معامله واقع می‌شود و به ملکیت فرد در می‌آید. بنابراین در انتقال ملکیت، حق مالکیت و

۱. تفرشی، محمد عیسی؛ و رضا سکوتی، «بیع سهام شرکت‌های سهامی»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه

شیراز (ویژه حقوق)، دوره بیست و یکم، شماره ۲ (پیاپی ۴۱)، تابستان ۱۳۸۳، ص. ۴۶.

۲. طاهری، حبیب‌الله، حقوق مدنی، جلد ۴، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ ۲، ۱۴۱۸ ق، صص. ۲۲-۲۳.

۳. بهجت، محمد تقی، استفتائات، جلد ۳، قم، انتشارات شفق، ۱۴۲۸ ق، ص. ۲۰۱.

۴. برای بحث مفصل در این مورد رجوع شود به: تفرشی، محمد عیسی؛ و رضا سکوتی، «بیع سهام شرکت‌های

سهامی»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز (ویژه حقوق)، دوره بیست و یکم، شماره ۲

(پیاپی ۴۱)، تابستان ۱۳۸۳.

ارتباط اعتباری و معنوی با شیء است که منتقل می‌شود. لذا از این حیث هیچ فرقی بین حق مالکیت بر عین - که وجود مادی و محسوس دارد - و حق مالکیت بر اموال غیرمادی نظیر حق مؤلف و اسکناس وجود ندارد و هر دو دسته را باید بتوان مورد تملیک قرار داد.^۱

بدون شک قانون‌گذار هنگام تدوین قانون به این رابطه توجه داشته و به نظر می‌رسد صرف به کار بردن عین در بیع مقابل منفعت و برای خارج نمودن اجاره از مفهوم بیع بوده است، زیرا برای مثال در حیات مباحات، بیع و اجاره اموال، فرد هیچ تصرفی در مال نمی‌کند و فقط علاقه و ارتباط خود را با آن تغییر می‌دهد. پس آنچه مال یا مالکیت یا حق نامیده می‌شود همه از یک نوع است و صورت مادی و خارجی ندارد.

ث - عرف امروز جامعه ما انتقال اموال غیرمادی را مانند حق تألیف، سرقفلی و اسکناس، بیع می‌نامد.^۲ ملاک در تحدید معاملات و موضوع آنها عرف است و حقوق دانان نیز تصریح کرده‌اند که رهایی از قید عین مندرج در ماده ۳۳۸ ق.م. نوعی پیشرفت و نزدیکی به عرف و معقول شدن قواعد است که اینها غایت مطلوب هر نظام حقوقی است و باید گفت که این رهایی گامی به سوی عدالت و معقول شدن نیز دانسته می‌شود.^۳ بنابراین می‌توان عقد بیع را تملک مال یا انتقال مالکیت در مقابل عوض دانست. مفهومی که در میان فقها نیز سابقه دارد.^۴ پس می‌توان گفت که آن دسته از فقهایی که لفظ عین را به جای مال در تعریف بیع اتخاذ کرده‌اند خواسته‌اند از شمول تعریف بر اجاره احتراز کنند.^۵

حال اگر قائل به این باشیم که عقد بیع تملیک مال یا انتقال مالکیت در برابر عوض است خواه آن مال عین باشد یا حق و خواه تملیک بی‌درنگ صورت بگیرد یا متعلق به شرط شود و یا مدتی به تأخیر افتد، در این صورت حقوق ما به خانواده جهانی نزدیک می‌شود.^۶

۴-۱-۲-۴. بررسی وظایف و تعهدات طرفین

نظر به اینکه عاملیت عقدی جامع و متضمن کلیه حقوق و تکالیف طلبکار و عامل است. رویه معمول مؤسسات عاملیت بر این است که اقدام به تهیه این عقد در قالب و نمونه‌های واضح و معین بنمایند که در آن حقوق و تعهدات طرفین صریحاً ذکر

۱. کاتوزیان، ناصر، نظریه عمومی تعهدات، منبع پیشین، ص. ۲۳.

۲. روحانی، سیدمحمدصادق، منهج الفقاهه، جلد ۱، قم، انتشارات دارالفکر، چاپ ۱۴، ۱۴۱۸ ق، ص. ۲۸.

۳. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی: دوره عقود معین (۱)، شرکت انتشار با همکاری بهمن برنا، چاپ ۴، ۱۳۷۱، ص. ۳۰۶.

۴. مکارم شیرازی، ناصر، توضیح المسائل، منبع پیشین، ص. ۳۳.

۵. قاسمی، محسن، منبع پیشین، ص. ۲۵.

۶. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی: دوره عقود معین (۱)، منبع پیشین، ص. ۳۰۶.

می‌شوند. در این مبحث به مطالعه مرحله اجرای عقد از طریق بررسی تعهدات (وظایف) طرفین آن مطابق تقسیم‌بندی ذیل می‌پردازیم:

۱-۲-۴-۱. وظایف و تعهدات صادرکننده (فروشنده / طلبکار اصلی)

صادرکننده به عنوان انتقال‌دهنده مالکیت مطالبات خود به عامل، تعهدات زیر در عقد بیع دین برعهده دارد:

- تضمین وجود طلب
- تحویل تمامی صورتحساب‌ها به عامل (اصل عمومیت و انحصار)
- تعهد صادرکننده (طلبکار اصلی) بر اخطار بدهکار
- تعهد صادرکننده (طلبکار اصلی) به پرداخت حق‌العامل

۲-۲-۴-۱-۲. وظایف و تعهدات مؤسسه عاملیت

عقد عاملیت از عقود الزام‌آور برای طرفین است. لذا همان‌طور که تعهداتی در نتیجه این عقد برعهده صادرکننده قرار می‌گیرد، متقابلاً تعهداتی نیز بر عهده عامل قرار می‌گیرد که مهم‌ترین آنها را می‌توان در موارد ذیل خلاصه نمود:

- تضمین عدم رجوع
- تعهد عامل به ارائه اطلاعات تجاری و مشاوره تخصصی
- تعهد به ایفای بهای دیون به انتقال‌دهنده

نتیجه‌گیری

مطابق بند ۲/ب ماده ۱ کنوانسیون اتاوا در عقد عاملیت بین‌المللی، عامل باید به ارائه حداقل دو مورد از چهار عملیات انتقال مطالبات یعنی نمایندگی در وصول، انجام امور حسابداری و تضمین وصول مطالبات (تضمین عدم رجوع به طلبکار اصلی) بپردازد که هر کدام به تنهایی نمایان‌گر ماهیت خاصی برای عاملیت است. این امر بیان‌گر آن است که عقد عاملیت مدنظر کنوانسیون نتیجه اختلاط و ترکیب دو یا چند عقد مختلف است.

مطابق نظر منتخب ما در حقوق ایران، عقود متعدد و مختلفی را که در عقد مرکب وجود دارند باید عقدی واحد دانست که ماهیت آن منطبق با ماهیت تعهد اصلی است و سایر تعهدات به صورت فرعی و شرط ضمن عقد اصلی محسوب شوند. لذا با توجه به اینکه عنصر واگذاری مطالبات در این عقد برتری دارد و جوهره اساسی آن را تشکیل می‌دهد، باید ارائه سایر خدمات عاملی را فرعی و تبعی دانست. بدین ترتیب بسته به عملیات انتخاب‌شده توسط عامل، عنصر واگذاری مطالبات یا به صورت انتقال مالکیت صورت می‌پذیرد یا با حفظ مالکیت و دادن نوعی نمایندگی جهت وصول، سایر موارد از قبیل انجام امور حسابداری و حمایت از طلبکار در برابر قصور بدهکاران از پرداخت در قالب شرط ضمن عقد تحلیل می‌شوند.

در نتیجه با توجه به توافق طرفین چنانچه صادرکننده (طلبکار اصلی)، سند طلب خود را در مقابل مبلغی کمتر از مبلغ اسمی واگذار کند و در مقابل عامل ثمن معامله را نقداً پرداخت کند، عوضین در مقابل هم قرار داشته و غرض اصلی مؤسسات عاملی دست یافتن به طلب ناشی از صورت‌حساب‌ها و هدف صادرکننده (طلبکار اصلی) رسیدن به وجه نقد قبل از سررسید مطالبات خود است و موضوع عقد عاملیت طلب (مال کلی فی‌الذمه) در مقابل عوض می‌باشد. ماهیت چنین توافقی مطابق حقوق ایران، عقد معین به نام بیع دین با احکام و آثار خاص خود است. ولی اگر طرفین بر حفظ مالکیت برای صادرکننده و صرفاً اعطای نمایندگی در وصول به عامل توافق نمایند در این صورت دیون موضوع این دسته از صورت‌حساب‌ها در چهارچوب احکام و قواعد عمومی وکالت و مطابق دستورهای طلبکار اصلی، قابل وصول است در این نوع از عاملیت دیگر بحث انتقال مالکیت دیون مطرح نیست، بلکه مؤسسه عاملی نقش نمایندگی از طلبکار اصلی در مفهوم دقیق وکالت را دارا می‌باشد.

منابع

- آخوندی، رضا، عاملیت تجاری در حقوق ایران و فرانسه، نشر دادگستر، ۱۳۸۴.
- امامی، سید حسن، حقوق مدنی، جلد ۱، کتاب فروشی اسلامیة، چاپ ۲۴، ۱۳۸۳.
- انصاری، شیخ مرتضی، المکاسب، جلد ۲، تبریز، انتشارات تقی علامه، ۱۳۷۷.
- انصاری، مسعود؛ و محمدعلی طاهری، مجموعه دانشنامه حقوقی (دانشنامه حقوق خصوصی)، جلد ۳، نشر مهربان فکر، ۱۳۸۴.
- باباپور، محمد، «بررسی تطبیقی کنوانسیون عاملیت بین‌المللی در حقوق ایران»، فقه و حقوق، سال چهارم، شماره ۱۴، پاییز ۱۳۸۶.
- بهجت، محمد تقی، استفتائات، جلد ۳، قم، انتشارات شفق، ۱۴۲۸ ق.
- تفرشی، محمد عیسی؛ و رضا سکوتی، «بیع سهام شرکت‌های سهامی»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز (ویژه حقوق)، دوره بیست و یکم، شماره ۲ (پیاپی ۴۱)، تابستان ۱۳۸۳.
- توفیق، توریه، وکاله تحصیل و ضمان الحقوق التجارية، رساله دکتورا، کلیه الحقوق، القاهرة، جامعه عين شمس، ۱۹۸۷.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، دانشنامه حقوقی، جلد ۵، انتشارات امیرکبیر، چاپ ۲، ۱۳۷۲.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، دایره‌المعارف حقوق مدنی و تجارت، جلد ۱، نشر بنیاد، ۱۳۵۶.
- حسینی سیستانی، سیدعلی، توضیح المسائل، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۷۷.
- حلی، ابن ادریس، محمدبن منصوربن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، جلد ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
- دویدار، هانی، النظام القانونی للتجاره: العمليات المصرفیه، الأسناد التجاریه، الإفلاس، بیروت، المؤسسة الجامعیة للدراسات والنشر، ۱۹۹۷ م.
- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، دانشگاه تهران، چاپ اول از دوره جدید، ۱۳۷۲.
- ذوالمجدین، زین‌العابدین، فقه و تجارت، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۲۶.
- رضوان، فایز نعیم، عقد الائتمان الإیجاری، القاهرة، دار الفكر العربی، ۱۹۸۵.
- روحانی، سیدمحمدصادق، منهاج الفقاهه، جلد ۱، قم، انتشارات دارالفکر، چاپ ۱۴، ۱۴۱۸ ق.
- سنهوری، عبدالرزاق احمد، انتقال و سقوط تعهدات، ترجمه علیرضا امینی، محمدحسین دانش کیا و منصور امینی، مرکز نشر کتاب، بی‌تا.
- شافی، نادر عبدالعزیز، عقد شراء الديون التجاریه عقد الفاکتورینگ دراسه مقارنه، بیروت، منشورات زین الحقوقیه، الطبعة ۲، ۲۰۱۳.

- شهیدی، مهدی، تشکیل قراردادهای و تعهدات، جلد ۱، تهران، نشر حقوقدان، ۱۳۷۷.
- شهیدی، مهدی، حقوق مدنی ۶، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۲.
- صفایی، سید حسین، اشخاص و اموال، انتشارات میزان، ۱۳۸۵.
- طاهری، حبیب‌الله، حقوق مدنی، جلد ۴، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ ۲، ۱۴۱۸ ق.
- طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم، حاشیه مکاسب، تهران، دارالمعارف الإسلامیه، ۱۳۷۸.
- طه، مصطفی کمال، القانون التجاری: الأوراق التجاریه العقود التجاریه عملیات البنوک الإفلاس، مصر، دار المطبوعات الجامعیه، ۱۹۹۹ م.
- عبدالرزاق محمد خلیفه، ذکری، «عقد شراء فواتیر الادیون التجاریه من الوجهتین العملیه والقانونیه»، مجله مصر المعاصره، العدد ۴۸۸، السنه الثامنه والتسعون، ۲۰۰۷ م.
- عبدالمنعم، حمدی، العملیات المصرفیه فی قانون المعاملات الاتحادی رقم (۱۸) لسنه ۱۹۹۳ لدوله الإمارات العربیه المتحدہ فی ضوء الفقه والقضاء والنصوص لمقارنہ فی دول مجلس التعاون الخلیجی، القاهره، دار النهضه العربیه، ۱۹۹۵ م.
- عدل، مصطفی، حقوق مدنی، انتشارات امیرکبیر، چاپ ۵، ۱۳۳۱.
- علامه حلی، شرح تبصره علامه، جلد ۱، ترجمه زین العابدین ذوالمجدین، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۲۸ ق.
- علم‌الدین، محی‌الدین اسماعیل، موسوعه أعمال البنوک من الناحیتین القانونیه والعملیه، الجزء الأول، القاهره، دار النهضه العربیه، ۱۹۸۷ م.
- عوض، علی جمال‌الدین، عملیات البنوک من الوجهه القانونیه فی قانون التجاره و تشریعات البلاد العربیه، القاهره، دار النهضه العربیه، الطبعة ۳، ۲۰۰۰ م.
- فضلی، هشام، عقد شراء الحقوق التجاریه، القاهره، دار النهضه العربیه، ۱۹۹۷ م.
- قاسمی، محسن، انتقال مالکیت در عقد بیع، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۸.
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی: دوره مقدماتی اموال و مالکیت، نشر میزان، چاپ ۶، ۱۳۸۲.
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی: دوره عقود معین (۱)، شرکت انتشار با همکاری بهمن برنا، چاپ ۴، ۱۳۷۱.
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادهای، جلد ۲، شرکت سهامی با همکاری بهمن برنا، چاپ ۳، ۱۳۷۱.
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی: نظریه عمومی تعهدات، مؤسسه نشر یلدا، ۱۳۶۷.
- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادهای، جلد ۴، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، چاپ ۶، ۱۳۸۱.
- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادهای، جلد ۱، شرکت سهامی انتشار، چاپ ۷، ۱۳۸۵.

- كركبي، مروان، عقد الفاكوتورينغ، دراسه مقدمه الى مؤتمر الجديد فى عمليات المصارف من الوجهتين القانونيه و الإقتصاديه، جلد ٢، كليه الحقوق جامعه بيروت العربيه، بيروت، منشورات الحلبي الحقوقيه، ٢٠٠٢ م.
- محقق اصفهاني، محمدحسين، حاشيه المكاسب، قم، منشورات الذخاير الإسلاميه، ١٣٤٣.
- محقق كركي (محقق ثانى)، جامع المقاصد فى شرح شرايع الإسلام، جلد ٥، قم، مؤسسه آل بيت، الطبعة ٢، ١٤٠٨ ق.
- محمودى، بشير، عقد تحويل الفاتوره، الجزائر، الديوان الوطنى للأشغال التربويه، ٢٠٠٢.
- مطهرى، مرتضى، مجموعه آثار استاد شهيد مطهرى، جلد ٢٠، انتشارات صدرا، چاپ ٦، ١٣٧٨.
- مكارم شيرازى، ناصر، أنوار الفقاهه، كتاب البيع، جلد ١، قم، انتشارات هدف، ١٣٧٦.
- مكارم شيرازى، ناصر، توضيح المسائل، قم، انتشارات مدرسه على بن ابي طالب، ١٣٧٩.
- الملحم، عبد الرحمن؛ و محمود أحمد الكندرى، عقد التمويل باستخدام الحقوق التجاريه و عمليات التوريق، الكويت، لجنه التأليف و التعريب و النشر، ٢٠٠٤ م.
- موسى خمينى، سيد روح الله، البيع، جلد ١، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى، ١٣٧٩.
- نراقى، ملا احمد، عوايد الأيام، قم، مركز الدراسات الإسلاميه، مطبعه المكتب الإعلام الإسلامى، ١٣٧٥.

- Blackwell, Amy, Essential Law Dictionary, London, Sphinx publications, 2008.
- Bourdeaux, Gautier, Autres Moyens De Paiement et De Recouvrement-Affacturation International, Edition du Juris-Classeur, 1998.
- Gavalda, Christian; & Jean Stoufflet, le Contrat Dit de Factoring, J.C.P; G., 1966
- Gavalda, Christian, Affacturation, Encyclopédie Dalloz-Com; A-B, no.2., 1996
- Glinavos, Ioannis, An Introduction to International Factoring & Project Finance, Munich Personal RePEc Archive, MPRA Paper No. 854, 2002.
- Spasić, Ivanka; Milorad Bejatović & Marijana Dukić-Mijatović, "Factoring - Instrument of Financing in Business Practice - Some Important Legal Aspects", Ekonomska istraživanja, Vol. 25, No. 1, 2012.
- Ghestin, Jacques, La Destination Entre Les Partis et Les Tiers Du Contract, J.C.P., 1992.

-
- Sussfeld, Louis Edmond, le Factoring, Presses Université de France, 1968.
 - Bakker, Marie; Leora Klapper & Gregory Udell, Financing Small and Medium-size Enterprises with Factoring: Global Growth in Factoring and Its Potential in Eastern Europe, Warsaw, 2004.
 - Mizan, Andre, "Factoring: A Better Alternative Of International Trade Payment Methods", ASA University Review, Vol. 5, No. 2, 2011.
 - Ellis, Susan, Webster's New World Law Dictionary, New York: Wiley Publishing Incorporations, 2006.
 - UNIDROIT Secretariat, Explanatory Note on the UNIDROIT Convention on International Factoring (Ottawa, 1988), Rome, 2011.
 - UNIDROIT, Study LVIII — Doc. 33, Draft Convention on International Factoring as adopted by a Unidroit committee of governmental experts on 24 April 1987 with Explanatory Report prepared by the Unidroit Secretariat, Rome, 1987.